زن در اسلام> پوشش زن> عوامل پيدايش پوشش

**آيا مى‏توان گفت عدم امنيت زنان دليل پيدايش حجاب است؟**

**كتاب: مجموعه آثار جلد 19 صفحه 404**

**نويسنده: استاد شهيد مرتضى مطهرى**

ريشه ديگرى كه براى به وجود آمدن پوشش ذكر كرده‏اند ناامنى است.در زمانهاى قديم بى‏عدالتى و ناامنى بسيار بوده است.دست تجاوز زورمندان و قلدران به مال و ناموس مردم بيباكانه دراز بوده است.مردم اگر پول و ثروتى داشتند ناچار بودند به صورت دفينه در زير خاك پنهان كنند.علت مخفى ماندن گنجها اين است كه صاحبان طلا و ثروت جرات نمى‏كردند كه حتى بچه‏هاى خود را از پنهانگاه ثروت خود آگاه سازند; مى‏ترسيدند كه راز آنها به وسيله بچه‏ها فاش شود و مورد تجاوز و گزند قلدران واقع شوند.بدين ترتيب گاهى اتفاق مى‏افتاد كه پدر با مرگ ناگهانى از دنيا مى‏رفت و فرصت نمى‏كرد اسرار خود را به فرزندش بسپارد.قهرا دارايى او در زير خاكها مدفون مى‏ماند.جمله معروف «استر ذهبك و ذهابك و مذهبك‏» (پول و مسافرت و عقيده خود را آشكار نكن) يادگار آن زمانهاست.

همان طور كه در مورد ثروت امنيت نبود، راجع به زن هم امنيت وجود نداشت.هر كس زن زيبايى داشت ناچار بود او را از نظر زورمندان مخفى نگه دارد، زيرا اگر آنها اطلاع پيدا مى‏كردند، او ديگر مالك زن خود نبود.

ايران دوره ساسانى ناظر جنايتها و فجايع عجيبى در اين زمينه بوده است. شاهزادگان و موبدان و حتى كدخداها و اربابها هر گاه از وجود زن زيبايى در يك خانه مطلع مى‏شدند به آن خانه مى‏ريختند و زن را از خانه شوهرش بيرون مى‏كشيدند.در آن موقع سخن از پوشش و حجاب نبود، سخن از به اصطلاح قايم كردن و مخفى داشتن زن بود كه احدى نفهمد.ويل دورانت در كتاب تاريخ تمدن قضاياى شرم‏آورى در اين باره از ايران قديم نقل مى‏كند.كنت گوبينو در كتاب سه سال در ايران مى‏گويد: «حجابى كه هم اكنون در ايران است‏بيش از آن اندازه كه مستند به اسلام باشد مستند به ايران قبل از اسلام است.» و مى‏نويسد كه در ايران قديم مردم هيچ امنيتى در مورد زنها نداشتند.

درباره انوشيروان - كه به غلط او را «عادل‏» خوانده‏اند - نقل شده كه وقتى يكى از سرهنگان ارتش او زنى زيبا داشت.انوشيروان به قصد تجاوز به زن او در غياب او به خانه‏اش رفت.زن جريان را براى شوهر خود نقل كرد.بيچاره شوهر ديد زنش را كه از دست داده سهل است جانش نيز در خطر است.فورا زن خويش را طلاق گفت.وقتى انوشيروان مطلع شد كه وى زنش را طلاق داده است‏به او گفت‏شنيدم يك بوستان بسيار زيبايى داشته‏اى و اخيرا آن را رها كرده‏اى، چرا؟ گفت جاى پاى شير در آن بوستان ديدم ترسيدم مرا بدرد.انوشيروان خنديد و گفت ديگر آن شير به آن بوستان نخواهد آمد.

اين ناامنى‏ها اختصاص به ايران و به زمانهاى قديم نداشته است.داستان اذان نيمه شب كه در داستان راستان آورده‏ايم نشان مى‏دهد كه چگونه مشابه اين جريانها در دوران تسلط مردم ماوراء النهر بر دستگاه خلافت‏بغداد، در بغداد هم رواج داشته است.در همين زمانهاى نزديك خودمان يكى از شاهزادگان در اصفهان از اين گونه تجاوزها زياد داشته است و مردم اصفهان قصه‏هاى زيادى از زمان حكومت او نقل مى‏كنند.

**بررسى**

ما وجود ناامنى‏ها و بى‏عدالتى‏هاى زمان گذشته و تاثير آنها را در مخفى كردن زن منكر نيستيم.

مسلما حجابهاى افراطى و عقايد افراطى درباره پوشيدن زن معلول همين نوع جريانهاى تاريخى است.ولى بايد ببينيم آيا فلسفه پوشش زن در اسلام همين امر بوده است؟

اولا اين سخن درست نيست كه در عصر ما امنيت كامل از نظر زن برقرار است.در همين دنياى صنعتى اروپا و آمريكا كه به غلط آن را «دنياى متمدن‏» مى‏ناميم، احيانا آمارهاى وحشت‏آورى از زناى به عنف مى‏خوانيم، چه رسد به دنياى به اصطلاح نيمه متمدن و تمام وحشى.تا در جهان حكومت‏شهوت برقرار است هرگز امنيت ناموسى وجود نخواهد داشت.منتها شكل قضيه تفاوت مى‏كند.يك وقت كسى مانند فلان خان و فلان قلدر مامور مسلح مى‏فرستد و زن كسى را از خانه‏اش بيرون مى‏كشند، يك وقت ديگر زنى را در يك مجلس شب نشينى و در خلال رقص و دانس «قر» مى‏زنند و او را از شوهر و فرزند آواره مى‏كنند.اين گونه حوادث و يا حوادثى از قبيل ربودن زنان و دختران به وسيله تاكسى يا وسيله ديگر زياد اتفاق مى‏افتد و در روزنامه‏ها مى‏خوانيم.در روزنامه اطلاعات مورخ‏6/9/47 تحت عنوان «زنان امريكا در معرض خطر حملات جنسى‏» مى‏نويسد:

«واشنگتن آسوشيتدپرس - سه پزشك محقق آمريكايى در گزارشى كه براى دولت امريكا تهيه كرده‏اند اعلام نموده‏اند كه در ميان ايالات امريكا لوس آنجلس از لحاظ ميزان «زناى به عنف‏» مقام اول را دارد و واشنگتن مقام سيزدهم را حائز است. البته اين بدان معنى نيست كه زنان و دختران در واشنگتن از حملات جنسى درامانند، اما امنيت آنها از بسيارى از شهرهاى بزرگ آمريكا بيشتر است.در هر صد هزار جمعيت لوس آنجلس 52 مورد زناى به عنف وجود دارد در حالى كه در واشنگتن اين رقم‏7/17 مى‏باشد.در نيويورك در مدت شش ماه 3000 شكايت از هتك ناموس به زور به اداره پليس رسيده است.سن اين عده شاكيان بين شش سال تا هشتاد و هشت‏سال بوده و قسمت اعظم شاكيان چهارده ساله بوده‏اند.» پس اين ادعا كه در عصر ما امنيت ناموسى كامل برقرار است و صاحبان نواميس بايد از اين نظر خاطرشان جمع باشد ياوه‏اى بيش نيست.

ثانيا فرض كنيم امنيت ناموسى كامل در جهان برقرار شده و تجاوز به عنف ديگر وجود ندارد و هر تجاوزى كه به نواميس مردم مى‏شود از روى رضاى طرفين است، ريشه نظر اسلام درباره پوشش چيست؟ آيا نظر اسلام به عدم امنيت‏بوده تا گفته شود اكنون كه امنيت كامل برقرار شده دليلى براى پوشش نيست؟

مسلما علت دستور پوشش در اسلام عدم امنيت نبوده است.لا اقل علت منحصر و اساسى عدم امنيت نبوده است، زيرا اين امر نه در آثار اسلامى به عنوان علت پوشش معرفى شده است و نه چنين چيزى با تاريخ تطبيق مى‏كند.در ميان اعراب جاهليت پوشش نبود و در عين حال امنيت فردى به واسطه زندگى خاص قبيله‏اى و بدوى وجود داشت; يعنى در همان وقت كه در ايران نا امنى فردى و تجاوز به ناموس به حد اعلى وجود داشت و پوشش هم بود، در عربستان اين گونه تجاوز بين افراد قبائل وجود نداشت.

امنيتى كه در زندگى قبيله‏اى وجود نداشت امنيت اجتماعى يعنى امنيت گروهى بود و اين گونه عدم امنيت‏ها را پوشش نمى‏تواند چاره نمايد.به اين معنى كه قبيله‏اى به قبيله ديگر شبيخون مى‏زد.در اين شبيخونها كه به وسيله قبيله بيگانه انجام مى‏شد همه چيز دستخوش غارت مى‏گرديد، هم مرد اسير مى‏شد و هم زن، پوشش زن براى او امنيت نمى‏آورد.

زندگى اعراب جاهليت‏با همه تفاوت عظيم و فاحشى كه با زندگى صنعتى و ماشينى عصر ما داشته، از اين جهت مانند عصر ما بوده يعنى فحشا و زنا حتى در مورد زنان شوهردار فراوان بوده است.ولى به خاطر يك نوع دموكراسى و نبودن حكومت استبدادى كسى زن كسى را به زور از خانه‏اش بيرون نمى‏كشيد.با اين تفاوت كه نوعى عدم امنيت فردى در زندگى ماشينى امروز هست كه در آن عصر نبود.

پوشش براى جلوگيرى از تجاوز كسانى است كه در يك جا زندگى مى‏كنند.

بر حسب خوى و عادت قبيله‏اى بين افراد يك قبيله اين جور تجاوزها وجود نداشته است.لهذا نمى‏توانيم بگوييم كه اسلام صرفا به خاطر برقرار ساختن امنيت دستور پوشش را وضع كرد.

فلسفه اساسى پوشش چيز ديگر است كه توضيح خواهيم داد.در عين حال نمى‏خواهيم بگوييم كه مساله امنيت زن از گزند تجاوز مرد به هيچ وجه مورد توجه نبوده است. بعدا در آنجا كه به تفسير آيه «جلباب‏» مى‏پردازيم خواهيم ديد كه قرآن كريم بدين اصل توجه داشته است.مدعى اين موضوع نيز نيستيم كه در عصر ما اين فلسفه بى‏مورد است و امنيت كامل براى زن از ناحيه تجاوزات مردانه برقرار است.تجاوزات به عنف كه در كشورهاى به اصطلاح پيشرفته همه روزه رخ مى‏دهد، در روزنامه‏هاى ما هم منعكس است.